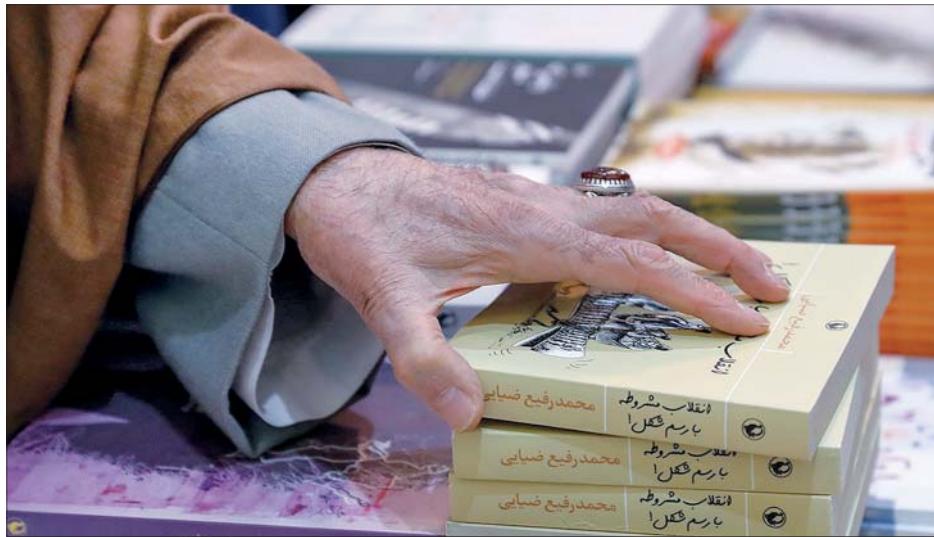


میراثی که رهبر انقلاب بر ضرورت حفظ و تقویت آن تاکید می‌کند

به کتاب بازگردیم



کتاب «من و کتاب» یکی از آثاری است که راوی مواجهه‌های گوناگون رهبر انقلاب با کتاب است. از راهکارهای ایشان برای گسترش کتابخوانی تا نظراتشان درباره کتاب‌هایی که خوانده‌اند. نکته جالب در معرفت این کتاب که توجه خواننده را برمی‌انگیرد این است که گسترش آثاری که ایشان مطالعه کرده وسیع و متنوع است. از روسيه و آمریکا تا افريقا و آسيا، ایشان آثارنويسندگان را خوانده‌اند و تسلط بسياری روی آنها دارد.

برای نومنه ایشان از کتاب یکی از نويسندگان فقيه افغانستان

نام می‌برند در حالی که بسياري از اهالي ادب و فرهنگ نام

نويسندگان و اشرش را نشينده‌اند که اين گواهی است براین که

ایشان به صورت مستمر پيگرا فاقات حوزه نشر و کتاب

است.

این کتاب از اين حيثیت که تصویری از زوایای مختلف در زمینه کتابخوانی از رهبر انقلاب به خواننده نشان می‌دهد اثری در خور توجه است. بیانات ایشان در زمینه توزیع و پرینت و ورود ایشان به زمینه ترویج نشان می‌دهد خواندن و مطالعه امری جدی در منظومه فكري رهبر انقلاب است در حالی که حتی بسياري از مدیران فرهنگی هم خواندن را امری ساتني مانتال می‌دانند و بعد از جلسه سراجی از کتاب بگیرد و حتی آن را تهیه کند و بخواند و برای تبلیغ و ترویج آن اقدامی کند.

همین که آن مدیر نام کتاب را نوشته از مشمند است ولی حرفی که می‌خواهیم بزنم این است، رهبریک کشور که حتماً و بی‌شك مشغله‌های بسياري دارد، از يك کتاب نام می‌برد و جزئيات آن را به خاطر می‌سپارد و اين طور آزان ياد می‌کند که نشان از اهمیت امر مطالعه و خواندن نزد او دارد، در حالی که به نظر می‌رسيد آن مدیر تا پيش از اين نام کتاب مذكور را نشينیده بود؛ در صورتی که وظيفه ذاتي او حضور مستمر در عرصه و رصد محصولات فرهنگی است.

علاقه‌مندی به کتاب و جايگاه مطالعه نزد رهبر انقلاب برکسي پوششیده نیست و اثريگزاری ایشان در معرفه و مطرح شدن کتاب‌ها برآهایی که منصفانه به میدان نگاه می‌کنند، امری واضح است. حضور ایشان در نمایشگاه کتاب و پيگيري ميزان فروش و اقبال مخاطبان به آثار در جریان تازه‌های نشر قرار گرفتن همه نشان از اهمیت اين گونه فرهنگی در منظر رهبری انقلاب دارد. کتاب‌هايی که نام آنها را نشينيده‌ایم یا حتی خبر از موجود بودن یا نبودن آنها در بازار نداريم از سوی ایشان مورد مطالعه قرار گرفته و حين روبه رو شدن با مولف یا مترجم، ایشان در قامت يك منتقد جدي با اشرب خورده می‌کنند. به همین خاطرات است که وقتی ایشان از يك کتاب تعريف می‌کنند یا نکته‌ای درباره آن مطرح می‌کنند و اکنون بازار به آن کتاب راشاهد هستیم و به سرعت به يك از پر فروش‌های کتاب کشور تبدیل می‌شود.

کتاب بازگردیدم.

چند روز پيش در مراسمی شرکت کرده بودم که در آن فيلمی از رهبر انقلاب پخش شد که در جمعی از اهالی فرهنگ درباره یك کتاب سخن می‌گفتند. در آن فيلم ایشان به کتابی که خوانده بودند و در آن رشادت‌های یکی از زمینه‌گران دوران دفاع مقدس شرح داده شده بود اشاراتی کرده و از آن تمجید می‌کنند. آنچه توجه‌هم را به خود کرد این بود که ایشان وقتی اسم کتاب را بردند یکی از مدیران حاضر در جلسه، که ماموریت و مسؤولیتی فرهنگی دارد و فعالیتش از جنس تعامل باهالی فرهنگ و حضور مستمر و پيگير در میدان است، نام کتاب و مشخصات آن را در دفتر خود شیخ ثبت کرد. شاید باين گمان که بعد از جلسه سراجی از کتاب بگيرد و حتى آن را تهیه کند و بخواند و برای تبلیغ و ترویج آن اقدامی کند.

همین که آن مدیر نام کتاب را نوشته از مشمند است ولی حرفی که می‌خواهیم بزنم این است، رهبریک کشور که حتماً و بی‌شك مشغله‌های بسياري دارد، از يك کتاب نام می‌برد و جزئيات آن را به خاطر می‌سپارد و اين طور آزان ياد می‌کند که نشان از اهمیت امر مطالعه و خواندن نزد او دارد، در الحالی که به نظر می‌رسيد آن مدیر تا پيش از اين نام کتاب مذكور را نشينیده بود؛ در صورتی که وظيفه ذاتي او حضور مستمر در عرصه و رصد محصولات فرهنگی است.

علاقه‌مندی به کتاب و جايگاه مطالعه نزد رهبر انقلاب برکسي

پوششیده نیست و اثريگزاری ایشان در معرفه و مطرح شدن کتاب‌ها برآهایی که منصفانه به میدان نگاه می‌کنند، امری واضح است. حضور ایشان در نمایشگاه کتاب و پيگيري ميزان فروش و اقبال مخاطبان به آثار در جریان تازه‌های نشر قرار گرفتن همه نشان از اهمیت اين گونه فرهنگی در منظر رهبری انقلاب دارد. کتاب‌هايی که نام آنها را نشينيده‌ایم یا حتی خبر از موجود بودن یا نبودن آنها در بازار نداريم از سوی ایشان مورد مطالعه قرار گرفته و حين روبه رو شدن با مولف یا مترجم، ایشان در قامت يك منتقد جدي با اشرب خورده می‌کنند. به همین خاطرات است که وقتی ایشان از يك کتاب تعريف می‌کنند یا نکته‌ای درباره آن مطرح می‌کنند و اکنون بازار به آن کتاب راشاهد هستیم و به سرعت به يك از پر فروش‌های کتاب کشور تبدیل می‌شود.

«من و کتاب»

یکی از آثاری است

که راوی مواجهه‌های

گوناگون رهبر انقلاب

با کتاب است. از

راهکارهای ایشان برای

گسترش کتابخوانی

تأنیت ایشان درباره

کتاب‌هایی که

خوانده‌اند

شبانه روز کتاب بخوانیم، هنوز هم آثاری هست

که نخواننده باقی مانده‌اند) و همین عروسک

که در تصویر پیدا شده است بهانه‌ای شد برای این که

مسیم را به سمت کتاب فروشی کج کنم و کتاب را

تله کرده و بخوانم تا «شازده کوچولو» نخوانده

از دنیا نروم. به همین سادگی داستانی پر معنا

و عمیق را مطالعه کردم، هر چند که «شازده

کوچولو» کتابی نیست که به یك مرتبه خواندن

آن اکتفا کنیم و باید با راه خوانده شود تا معانی

خود را بیشتر نشان دهد، ولی به هر صورت

یک مرتبه خواندن شن خالی از لطف نیست، ولی

اگر بیش از يك بار باشد بهتر است

به همین سادگی يك عروسک کاموایی بهانه‌ای

شد تا يك کتاب بخوانم و اگر این بهانه کاموایی

نبود شاید مدت ها سراغ این اثر نمی‌رفتیم.

می‌خواهیم بگوییم گاهی بهانه‌ای ایجاد می‌شود و

کتابی خودش را نشان می‌دهد و ما باید فرصت

راغنیمیت بشماریم و وقت را تلف نکنیم. اگر

خوب دور و اطراف خود را نگاه کنیم اتفاقاتی از

این قبیل فراوانند که مارا به خواندن و سفر به

دنيای کلمات دعوت می‌کنند حالا ممکن است

بهانه شما کاموایی نباشد!

بهانه کاموایی



حسام آبنوس

برای خواندن دنبال بهانه باشید. صبر نکنید. کتاب‌ها سراغ شما بیایند. اصلاً چنین اتفاقی از نوادر است: این که یک کتاباب سراغ خواننده‌اش بیاید. البته برای کسی که با کتاب‌ها زندگی می‌کند

این اتفاق ممکن است بیفتند که آن هم در حد یک گوشه چشم نشان دادن است و گرنه این طور نیست که جناب کتاب راه بیفتند هلک هلک باید خودش را برساند به جناب مخاطب! نه خیر این طور نیست. بالآخره این کتاب‌ها هم شان و مرتبی دارند و ما اگر سراغشان را نگیریم ترجیح می‌دهند در قفسه‌ها بنشینند و خالک از نوش جان کنند تا این که خود را عرضه کنند. پس بهتر است برای خواندن آنها دنبال بهانه باشیم و هر آنگاه سراغی از آنها بگیریم.

وقتی می‌گوییم دنبال بهانه باشیم این طور نیست که بنده به عنوان نویسنده این یادداشت از این توصیه برکنار باشم و خود را مخاطب قرار ندهم! اتفاقاً اول خودم عمل کرده‌ام و حالا دارم به شما خواننده گرامی که وقت عزیزان را برای این صفحات گذاشته‌ایم. توصیه‌هایی از این جنس می‌کنم.

آخرین نمونه آن همین چند وقت پیش بود. همکاری گرامی به بهانه به دنیا آمدن فرزند نگارنده این سطراها، عروسکی دست‌ساز و تولید ملی برای «علی‌آقا» هدیه گرفتند. روابه‌ای کاموایی که ظاهر برگرفته از شخصیت روباه داستان «شازده کوچولو» اثر آتوان دوست است ناگفته پیدا شده است که بنده این داستان مشهور و پرفروش را نخوانده بودم (از این که کتابی را نخوانده باشیم نباید هراسی به دل را بدھیم چرا که اگر تا آخر عمرمان شبانه روز کتاب بخوانیم، هنوز هم آثاری هست

که نخواننده باقی مانده‌اند) و همین عروسک

که در تصویر پیدا شده است بهانه‌ای شد برای این که

مسیم را به سمت کتاب فروشی کج کنم و کتاب را

تله کرده و بخوانم تا «شازده کوچولو» نخوانده

از دنیا نروم. به همین سادگی داستانی پر معنا

و عمیق را مطالعه کردم، هر چند که «شازده

کوچولو» کتابی نیست که به یك مرتبه خواندن

آن اکتفا کنیم و باید با راه خوانده شود تا معانی

خود را بیشتر نشان دهد، ولی به هر صورت

یک مرتبه خواندن شان خالی از لطف نیست، ولی

اگر بیش از يك بار باشد بهتر است

به همین سادگی يك عروسک کاموایی بهانه‌ای

شد تا يك کتاب بخوانم و اگر این بهانه کاموایی

نبود شاید مدت ها سراغ این اثر نمی‌رفتیم.

می‌خواهیم بگوییم گاهی بهانه‌ای ایجاد می‌شود و

کتابی خودش را نشان می‌دهد و ما باید فرصت

راغنیمیت بشماریم و وقت را تلف نکنیم. اگر

خوب دور و اطراف خود را نگاه کنیم اتفاقاتی از

این قبیل فراوانند که مارا به خواندن و سفر به

دنيای کلمات دعوت می‌کنند حالا ممکن است

بهانه شما کاموایی نباشد!